

بواسطه آقا میرزا محسن زائر علیه بهاء الله الأبهي

جناب میرزا عبدالحسین سلیل سید محسن و جناب عبدالوہاب ناجی نجل سید محسن علیہما بہاء الله الأبهي

هو الله

ای دو یادگار دو نفس بزرگوار حضرت عبدالمجید و حضرت سید محسن این دو نفس مبارک را آنچه ستایش کنم حقیقت اینست که از عهده برنیایم هر دو را جمال مبارک تبلیغ فرموده بنفحات روح القدس زنده شدند و در عراق چون جبل راسخ ثابت و رزین و رصین بودند یک منقبت حضرت عبدالمجید را ذکر مینمایم پسرش عبدالوہاب شمع اصحاب بود و برقی ساطع از سحاب در سفر اول حضرت مقصود به عراق عرب بشرف لقا فائز پسر استدعای هدایت پدر نمود حضرت عبدالمجید بمجرد تشریف بحضور رب غفور مانند شمع برافروخت و بایمان فائز و چون جمال قدیم مراجعت به طهران فرمودند بمیرزا عبدالوہاب امر کردند که چون پسر وحیدی باید در نزد پدر بمانی و چنانست که همسفر با من باشی و چون حضرت مقصود به طهران رجوع فرمودند ایامی نگذشت که نائره عشق در قلب آن جوان چنان شعله زد که صبر و قرار نماند و پدر بزرگوار گفت ای پسر هرچند مرا نور بصری حیات جانپوری آنی تحمّل فرقت تو ندارم ولی نمیتوانم این پروانه را از شمع آفاق محروم نمایم فوراً عزم طهران کن آن جوان رقص کنان وارد طهران گشت و بمجرد ورود دستگیر شد و بزیر زنجیر رفت زیرا واقعه مؤلمه شاه واقع و در سجن مبارک بشرف لقا فائز شد بعد از چند روز میرغضب وارد زندان شد و آن معدن اسرار را پیای دار دعوت کرد آن جوان نورانی برخاست و رقصی در نهایت سرور در پیشگاه حضور نمود بعد دست مبارک را بوسید و با یاران مسجون دست در آغوش شد و رسم وداع مجری داشت و بقربانگاه عشق شتافت و در کمال سرور و حبور جان بباخت این خبر وحشت‌آور چون بگوش پدر رسید آن پیر سالخورده سر بسجود آورد و بشهادت پسر شادمانی و طرب و شکر نامتناهی نمود این یک منقبت از مناقب آن بزرگوار است جمیع اوقات خویش را بتحمّل صدمات و مشقّات میگذراند و عاقبت سرگون شد و در اسیری جان بجانان تسلیم نمود و اما حضرت آقا سید محسن در عراق بود و بشرف حضور نیر آفاق مشرف گشت و مدّت حیات جانفشان بود و سبب هدایت نفوس عدیده گشت صبور و حلیم بود و شکور و مستقیم تا آنکه سرگون بحدبا گشت و در اسیری تحمّل فراق نمود در نهایت فقر پیاده در کمال شوق مناجات کنان از حدبا عازم عکا شد تحمّل صدمات راه نمود صحراها را پیاده پیمود بی زاد و توشه در نهایت شوق جان بباخت حال شما یادگار آن دو بزرگوارید همیشه در خاطرید و این دو زفاف جدید مبارکست متیمن است مسعود است پرشکون است از الطاف حضرت مقصود امید چنانست که خاندان آن دو بزرگوار الی ابد الآباد مسعود و مبارک و متیمن باشند جناب میرزا محسن الحمد لله محفوظاً مصوناً وارد و بآنچه منتهی آمال مفرّین است یعنی تقبیل آستان مقدّس فائز و اجازه حضور خواسته بودند مأذونید و علیکما البهآء الأبهي

عبدالبهاء عباس

۱۰ ربیع الثانی ۱۳۳۸

حیفا

جناب عبدالوحید ناجی یقین بدان که یادگار حضرت متصاعد الی الله سید محسن هستی و مرکز میثاق نهایت مهربانی بشما داشته و دارد از عون و عنایت مقصود امیدوارم که در صون و حمایت جمال مبارک محفوظ بوده و هستی و علیک البهآء الأبهي

این سند از کتابخانه مراجع بهائی داناو شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۳ نوامبر ۲۰۲۳، ساعت ۱۱:۰۰ قبل از ظهر